

با هم برویم به بوشهر

بچه های ایران



نویسنده: جواد رسولی

تصویرگر: مرضیه قانعی

یا بازی! بُوات پیرن یا چِمال؟



به بوشهر خوش آمدی!
من و دوستان جنوبی ام می خواهیم بازی کنیم.
چه بازی ای؟ «بُوات پیرن یا چِمال».
چه جوری؟ این جوری!

بفرما بید قلیه ماهی!

من و خواهرم خیلی دوست داریم
برویم خانه ی دایی جان.
یواشکی بگویم برای چی؟
برای اینکه زندایی برای
مهمان هایش قلیه ماهی می پزد. این
غذا خیلی خوش مزه و مقوی است.
آخ! دهنم آب افتاد!



تابستان‌ها خارک‌ها یا خرماهای نرسیده درمی‌آیند. من و بچه‌های محله هرکدام یک هسته‌ی خارک برمی‌داریم و دور هم می‌نشینیم. یکی از ما هسته‌اش را بین انگشت شست و اشاره می‌گذارد و از یکی دیگر می‌پرسد: «بُوات پیرن یا جهال؟» (یعنی پدرت پیر است یا جوان؟).

او در جواب یا می‌گوید «پیر» یا «جهال». بعد همان نفر اول با دقت به هسته فشار می‌آورد تا هسته پیرد بالا. چون هسته‌ی خارک لیز است، ممکن است خیلی پترد. اگر هسته از سه چهار وَجَب بیشتر پرید، پدر نفر دومی جهال (جوان) است. اما اگر زیاد نپرید، پدرش پیر است. اگر هسته‌ی خارک همان قدر پرید که نفر دوم گفته بود، سؤال را از یکی دیگر می‌پرسد تا به ترتیب نوبت بچه‌های دیگر شود. گاهی که هوا خیلی گرم است و بچه‌ها توی محله نیستند، توی خانه با مامان و بابا بازی می‌کنیم.

تو اهل کجایی؟



با هم ببینیم

تو اهل کجایی؟ آنجا چه بازی‌هایی می‌کنید؟ برایم بنویس و از بازی‌تان عکس قشنگی بفرست تا توی مجله چاپ کنیم.

این هم نشانی ما:

http://shad.ir/koodak_roshd

لالایی

تو لالایی بلدی؟ اگر دوست داری، وقتی عروسکت را می‌خوابانی، این لالایی بوشهری را برایش بخوان:

مو لالات می‌کنم خوابت نمی‌آ (من تو را می‌خوابانم ولی خوابت نمی‌آید)
بزرگت می‌کنم یادت نمی‌آ (نمی‌آید)

مو لالات می‌کنم تا زنده باشی

غلام حضرت معصومه باشی

غلام حضرت معصومه‌ی قم

زیارت می‌کنم هر صبح و هر شوم (شب)

• از مصطفی باباخانی سپاسگزاریم که این مطالب را برایمان فرستاد.